محمد خبیر وهاب زاده ۲۰۱۶/۰۷/۱۵

„شکر که امریکا ماند“

میگفتند و میکویم ملت قهرمان ، ملت تاریخ ساز ، و بلاخره ملت که اسارت را هیچ وقت قبول ندارد و در طول تاریخ افغانها ، افغانستان را قبر ستان مهاجمین این سر زمین ساخته و ده ها صفات دیگر که قلم در واقع از نوشتن آن عاجز میماند. اما زمامدارن افغانستان در این پانزده سال اخیربه ماندن بیگانگان تاکید و اشغال را افتخار میدانند ، در حالیکه اجداد شان انرا ننک میدانستند و بنیانگذارن میهن در واقع به قیمت خون و جان خو د از اسقلال این سر زمین دفاع کرده اند ، اما اینها امروز شکر میکشند که امریکا در افغانستان ماند .سوال در این جاست که بنیان گذاران افغانستان که از غیرت افغانی به جوش بودند و ازادی و استقلال را یکانه وسیله سرفرازی ملت افغان و پیش رفت را منحصر به قوت بازوی خود میدانستند غلط فکر کرده بودند و یا زمام داران نابغه صفات دهه اخیر که غیرت افغانی را در بازو بیگانگان و لوله های تفنگ شان توجیه و مظنون میدانند.
بیدون شک که بنیانگذارن تاریخ ساز ما در فکر و راه درست بودند که بردکی و غلامی ملت ها را بیچاره و ذلیل میسازد ، ازادی و خود کفایی سبب عزت و قا ر ملت ها میگردد.
با درنظرداشت مقتظیات زمان یعنی جهانی شدن مراودا ت ، باید گفت که در همکاری ویا کمک کرفتن از امریکا و یا کدام ملک دیگر مشکلی دیده نمیشود به شرط انکه غلامی و بردگی مطرح نباشد و منافع ملی حفظ و کنترول زمین و هواه وطن مطلق تأمین و د ر اختیار آنانی باشد که خانه و اشیانه شان در انجا است ، در حلیکه فعلا زمین و اسمان افغانستن مطلق در اختیار بیگانان است.
یعنی « کور زما اختیار د بل چا» . بیدون شک که هیچ کس خصوصا در دونیای امروز نه در انزوا زندگی کرده میتوا ند و نه لازم است اگر زمامداران امروزی در کابل که به کمک مستقیم امریکا به قدرت تکیه زده اند حد اقل ، خدمتی را به ملت کرده باشند ، راهای معقول دیگر هم وجود دارد که هم از بردگی و غلامی نجات بیابیم و هم ملک از این حالت ناهنجار نجات پیدا کند .
ایشان باید ایلات متحده امریکا را مثل یک کاو شیری چاق یعنی فربی فکر کنند ، باید برایش بکویند که تو یک گاو خوب شیری هستی ما ترا بسیار دوست داریم انقدر ترا دوست داریم که نام ترا ..... میگذاریم به ما شیر فراوان بده از تو بسیار خوش میباشیم ، اما در مزرع که تو میچری از ان ماست و اختیار ان هم از ما است اگر کدام چیز خوب در مزرع پیدا کردید با ما مشوره کنید تا خرچ شما را کشیده حق خود را کرفته به مردم غریب خود بدهیم .
بیدون تردید که در حالت احتیاج و مادونیت امکانات بسیار کم میباشد اما نه غیر ممکن. المان و چاپان اشغال شده بعد از جنگ جهانی دوم با بسیار هوشیاری و صداقت تام به مردم و وطن خود توانستند المان و جاپان امروز را که در ان زمان اشغال بود با درایت ازاد و آباد کنند . در غیر ان امریکا فعلا یک قدرت جهانی است و در پیش برد سیا ست جهان خود پروایی کسی را هم ندارند .
بیجا نه خواهد بود که در همین جا یادی از سر گذشت خود یعنی زمان زمامداری ببرک کارمل در کابل و اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر سوسیا لیستی شوروی وقت را پیشکش کنم به امید اینکه اگر از تاریخ بیاموزیم همیش بیچاره نمی مانیم و جرئت انرا پیدا کرده میتوانیم تا از منافع ملی خود دفاع کنیم. روزی در اوایل دهه هشتاد میلادی قرن گذشته به خاطر تمدید پاسورت خدمت محصلی خود به سفارت افغانستان در بن رفتم و پاسپورت خود را به شعبه تمدید ویزه توسط خانه سامان سفارت فرستادم بسیار انتظار کشیدم تا بلاخره خانه سامان که از سا لهای قبل او را میشناختم امد و گفت که شما را سفیر صاب خواسته ، بنده فوراً به قهر و جهر گفتم من به سفیر کار نه دارم یا پاسپورت مرا تمدید کنید و یا برایم پس بدهید که بروم ، در همین لحظه دیدم که خود سفیر وقت که همین حلا در قید حیات است و این چند سطر را خواهد خواند از دفتر خود خارج و صدا کرد که پاسپورت ات تمدید میشه من میخواهم که با شما ببینم بیاید ، مجبور دل نا دل به دفترش رفتم و بعد از سلام و احترام متقابل خاموش نشستم سفیر صاحب شروع کرد از دست اوردهای کمونیزم و خصوصا از دوستی با اتحاد جماهیر سوسیا لیستی شوروی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

وقت و برگشت نا پزیزی انقلاب کمونستی در افغانستان معلومات مفصل داد و در عین وقت از دوستی و شناخت شخصی خود با ببرک کارمل و اعتبارش در حلقه کمونستی کابل تأکید کرد و از من دعوت کرد که به افغانستان برگردم و با فامیل خود در کابل به افتخار زندگی نموده و هم در چوکات حکومت کمونستی حایز رتبه و منصب خواهم شد چون تمام فامیل من هنوز در کابل بودند بعد از خاموشی زیاد نام سفیر صاحب را گرفته گفتم شما میدانید که تمام فامیل من در افغانستان است اگر گپهای ما ثپت میشود خاموش میمانم درغیر ان چند گپ دارم که به شما بکویم ، سفیر صاحب بر حال جکومت خنده کرد و گفت که قسم میخورم , فوراً گفتم که شما به قسم کی عقیده دارید گفت به سر مادر و پدرم که همین حلا در منزل بالای سفارت هستنند که موضوع ثپت آواز نیست ، چون من مرحوم قبله گاه سفیر صاحب را از وقت میشناخم عهد سفیر صاحب را قبول کردم بعد از جرو بحث زیاد در اخیر به جناب سفیر صاحب چنین ظهار نظر کردم که ؛

شما (مقصد از کمونستهای افغانی بود) باید بدانید که اتحاد جماهیر شوروی قدرت جهانی است و قدرتهای جهانی صرف در صدد منافع خود هستند نه پروایی شما را دارند و نه پروایی ما را ، هر وقت منافع شان نبود و یا در خطر افتاد تغیر پالیسی نموده وباز از شما پشتیبانی نمیکنند ، سفیر صاحب به خنده شد و باز تشریحات زیاد داد و کفت که نظر من درست نیست در همین جا تبادل افکار ما خاتمه یافت پاسپورت خود را گرفته از سفارت خارج شدم . سال های بعد سفیر صاحب هم مثل من مهاجر شد و حزب تصاد ف در یک مجلس با هم دیدم خودش یاد کرد که کپ ات درست بود اما چه فایده ناوقت شده بود و افغانستان هم تباه شده بود .

لذا زمامداران فعلی هم این را باید بدانند که امریکا و کدام ملک بیگانه دیگر منافع خود را دارند و حکومت فعلی باید امریکا را به همکاری معقول تشویق کرده و بدانند که ایشان برابر یک دانه توت هم نزد حکومت امریگا و هامیانش ارزش ندارند الی اینکه منافع امریکا برای مدت معین ایجاب کند که از ایشان نگهداراری و مواظبت کند . در عین زمان برای حکومت فعلی با وجود مادنیت لازم است که به حد اقل از منافع افغانستان دفاع کنند، ممکن است که همچو تحرک به قیمت کسر قدرت شان هم تمام شود در غیر منفور تاریخ به هر صورت خواهند بود . و اگر حکومت فعلی نزد حامیان خود انقدربه اصطلاح افغانی ما « دان پر او هستن - دهن پر آب هستند» که دیگر مجال کفت و شنود به ایشان دا ده نمیشود به ارا واقعی مردم بیدون تقلب مراجع کنند .

مردم افغانستان در حال حا ضر از هر نگاه خصوصا امیتی ، اقتصادی ,اخلاقی و غیره به سطوح امده اند و دو راه دارند یا انقلاب کنند و یا همین حکومت نیم درمل را از راهای مختلف تشویق و تهدید به ایند ه سازی کنند اصل اول به نظر من تا که افغانستان تحت امر بیگانگان است و جنگ هم دوام دارد بعید به نظر میرسد که تحرکات مردمی را مجال رشد دهد و ان هم در ملک که تقریبا چهار دهه غرق ویرانی ، خون ریری و تباهی متواتر روبرو است تحرکات صلح امیز اینده ساز کمتر اتفاق می افتد (اما غیر ممکن نیست) چون نا امیدی جامه را تحت شعاع میگیرد. و اجتماع را انقدر ذلیل و بیچاره میسازد که توان تغیر صلح امیز توسط جوش مردمی بعید به نظر میرسد. مردم دیگر به نصایح سیا سیون دلسوز خودکوش نمیدهند، فرق وشناخت بین خوب و بد به احد اقل میرسد.

چون چندی بعد مدت حکمروایی ، حکمرانان فعلی نظر به عهد که بین ریس جمهور و ریس اجرایه به اساس موافقتنامه جانبین که برای دوسال پیشبینی شده بود با وجود عقب نشینی جان کیری وزیر خارجه امریکا از قرارد که تحت نظارتش در آن زمان عقد شده بود، پایه دار بمانند - فرصت مناسبی است که اول به هر قیمت که باشد مذاکرات صلح را از تی دل به راه اندازند و از زورکویی و تهدیدات دیوا نه وار خوداری کنند و درک کنند که جنگ هیچوقت مشکل را حل ننموده و خاصتاً نسل افغان هر کز اسلحه خود را در افزایش تشند به زمین نمیگذارند . دوم اینکه در تشکیل یک لویه جرگه عنعنوی که واقعاً نماینده گان غیر فرمایشی زمامداران فعلی اشتراک کرده بتوا نند انعقاد نموده و راه را به یک حکومت کاری که توان برگذاری یک انتخابات سرتاسری را برای انتخاب یک حکومت دانا، دلسوز وملی مبرا از افراد قاتل ، خاین ، فاسد و برده فراهم شود.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ